

آشنایی با یک کتاب

عبد الرضا سمیعی *

همیشه فکر مشغول این سؤال بود که آیا مقام و جایگاه یک عالم شیعی، از مقام یک پیامبر بالاتر می‌رود؟ آیا مضمون روایت‌هایی مثل «عُلَمَاءُ أُمَّتِي أَفْضَلُ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» صحیح است؟ برخی بزرگان با استناد به این روایت، مقام برخی فقها و علما شیعه را از مقام بعضی انبیا بالاتر می‌دانند. چگونه می‌شود کسی که به عصمت او تصریح شده است و برگزیده ذات اقدس اله است، پایین‌تر از برخی اولیای غیر نبی باشد؟

سنگین‌تر از این روایت غریب المضمون، حدیث منقول از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است که فرمود: «أَنَا أَصْغَرُ مِنْ رَبِّي بِسَنَتَيْنِ». در این روایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برای خداوند بلندمرتبه سن و عمر مشخص می‌کند و این مخالف با اصول اعتقادات و نص احادیث ماست. خداوند، خالق زمان است، ازلی است، زمان و زمانی در او راه ندارد؛ چگونه می‌شود برای او عمر مشخص کرد؟

همه ما با کتاب شریف الکافی تألیف مرحوم محمد بن یعقوب کلینی آشناییم. اولین روایت این مجموعه گرانسنگ، حدیث خَلْقِ عَقْلِ است که دارای مضمونی غریب و ناسازگار با داشته‌های ذهنی ماست:

عن أبي جعفر (عليه السلام): لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبَلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ...؛ خداوند بلندمرتبه عقل را به سخن درآورد، به

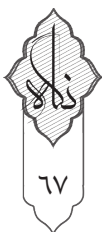
او فرمود: جلو بیا. پس او آمد. فرمود: بازگرد، و او برگشت. آیا عقل یک موجود مجرد نیست؟ چگونه سخن گفته است؟ به چه صورتی تجلی و حرکت کرده است؟

امیدوارم که منظورم را به شما رسانده باشم.

کسانی که با دریای بی‌کران روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) سر و کار دارند و از چشمه جوشان کُتُب حدیث بهره‌مند هستند، خوب می‌دانند که برخی روایات همچون موارد مذکور، وجود دارد که فهم و هضم آنها و یا سازش دادن آنها با اصول اعتقادی و سایر احادیث، بسیار دشوار و مشکل است.

نبیّ کسی است که از طرف خداوند بلندمرتبه به عنوان واسطه فیض بین زمین و آسمان برگزیده شده و از قبل از خلقت مورد عنایت ویژه ذات اقدس پروردگار بوده است. در عصمت او شک و شبهه نیست. چگونه او را پایین‌تر از دیگران بدانیم، هرچند که دیگران به مقاماتی هم رسیده باشند؟ چه باید کرد؟ آیا این نوع روایات باید طرد شود؟ یا باید با ابزار مناسب و با تبخّر در علوم اسلامی (فقه، کلام، فلسفه، رجال و...) و تسلط بر مصادر حدیثی و فهم درست برخاسته از تفقّه در روایات آن را بر معنای صحیح حمل کرد؟ مدتی پیش، کتابی به دستم رسید و در آن، روایت «علماء أمتی أفضل من أنبياء بنی اسرائیل» را دیدم و شرح مصنف بر این روایت را مطالعه کردم. او شبهه کهنه مرا در مورد این روایت حلّ کرد. مصنف کتاب، با اعتماد به نفسی کامل که خود نشانه گستره تحقیق و مطالعه اوست، می‌گوید: این روایت با سه عبارت نقل شده است: ۱. علماء أمتی أفضل من أنبياء بنی اسرائیل ۲. علماء أمتی کأنبياء بنی اسرائیل ۳. علماء أمتی أنبياء بنی اسرائیل. ولی پس از جستجو و تتبع، آن را در هیچ‌یک از مصادر حدیثی شیعه نیافتیم و به نظر می‌رسد که این روایت از بر ساخته‌های اهل تسنّن باشد و از کسانی که به جعلی بودن آن تصریح نموده است، مرحوم شیخ حرّ عاملی (رحمة الله علیه) است.

پس از مطالعه این فراز تصمیم گرفتم که به فهرست کتاب مراجعه کنم تا ببینم هدف او چیست؟ و در این کتاب چه کرده است؟ که به ناگاه روایت



امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دیدم که فرموده: «أنا أصغر من ربی بستین». اهمیت کتاب هر لحظه برایم بیشتر می شد. سریع به سراغ این روایت رفتم تا ببینم آن را چگونه تفسیر کرده است که نوشته بود: إنَّ المراد بالربِّ، الحقیقی و المراد بستین رُتَبَتین و المعنی أنَّ جمیع مراتب کمالات الوجود حاصله له سوی مرتبتین هما مرتبة الألوهیة و مرتبة النبوة...». دانستم که گمشده خویش را یافته ام.

مصنف این کتاب که از بزرگان مکتب شیعه است، پس از غوص در دریای روایات، احادیث غریب المضمون و صعب و به ظاهر ناسازگار را گلچین کرده است و با تسلط کم نظیر خود، آنها را بر معنای صائب و صحیح حمل کرده است. اما این دُرّ خاک گرفته چیست؟ و مصنف آن کیست؟ این کتاب، مصابیح الأنوار فی حلّ مشکلات الآثار است. این اثر ارزشمند از تألیفات گرانمایه مرحوم آیت الله سید عبدالله بن محمدرضا شُبّر حسینی کاظمی، معروف به سید عبدالله شُبّر، در توضیح و تبیین احادیث صعب است. سید عبدالله شُبّر در سال ۱۱۸۸ ق در نجف اشرف چشم به جهان گشود و سال ۱۲۴۲ دار فانی را وداع گفت. هرچند وی در علوم مختلف اسلامی همچون فقه، تفسیر، فلسفه و کلام تبخّر داشت، ولی مهارت ویژه وی در فنّ حدیث باعث شد که به او لقب مجلسی دوم را بدهند. از اساتید معروف ایشان، شیخ جعفر کاشف الغطاء (رضوان الله تعالی علیه) است. آثار علمی سید عبدالله شُبّر بالغ بر هفتاد اثر است که از جمله آن، کتاب مصابیح الأنوار است.

مصنف با تسلط شگفت انگیز خود بر مصادر حدیثی، احادیث سخت و نامأنوس را در دو جلد جمع آوری کرده و به توجیه و شرح آن پرداخته است. در جلد اول ۱۶۰ روایت و جلد دوم ۱۰۳ حدیث شرح شده است. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی (رحمة الله علیه) در وصف این کتاب می نویسد: «شَرَحَ فیه ۲۶۳ حدیثاً بالحلّ الشافی والتّحقیق الکافی».^۱ مکتبه بصیرتی و مؤسسة الأعلمی چند بار اقدام به چاپ این اثر کرده اند.